هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

بالآخره رئیس جمهور کابینه را تغیر داد!

ص۲

اقدامی تحریک آمیز

نیروهای خارجی در ولایت بلخ

ص۵

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیستم شنبه ۲۷ میزان ۱۳۸۷– ۱۷ شوال المکرم ۱۴۲۹ - 18- October 2008



استاد برهان الدین ربانی

در کنفرانس جهانی دین در دنیای معاصر شرکت نمود

روز دوشنبه، ۲۲ میزان سمینار دین در دنیای معاصر با سخنان محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق ایران، در تهران کار خود را آغاز کرد.

آقای خاتمی در سخنان افتاحیه همایش تهران به تفصیل درباره دین و نقش آن در زندگی بشر سخن گفت و افزود که دین می تواند نزاع و اختلاف را به وفاق و همزیستی تبدیل کند.

وی از پیروان ادیان گوناگون خواست تا نخست میان هم به گفتگو بپردازند و سپس با اتکا بر باورهای دینی بحران های جهانی را حل کنند.

این سمینار دو روزه با هدف بررسی نقش دین در جوامع امروزی برگزار می شود استاد ربانی، کوفی عنان، دبیرکل سابق سازمان ملل،

ادامه درص۵



به مناسبت یکصدمین سالگرد وفات

سیدجمال الدین افغانی

بیدارگر بزرگ شرق

بزرگ میهن اسلامی ما افغانستان، دردرازای تاریخ به ویژه تاریخ اسلامی خویش زاد گاه اعجوبه ها و شگفتی ها بوده است، اعجوبه هایی که نه تنها بازتاب دهنده آفرینشگری ها و خلاقیت های فززندان این سرزمین در گونگون عرصه های ادب و فرهنگ، علم و فلسفه و... می باشد که طلایه داری آنان را در کاروان تمدن و فرهنگ نیز باز گو می کند

ادامه درص۶

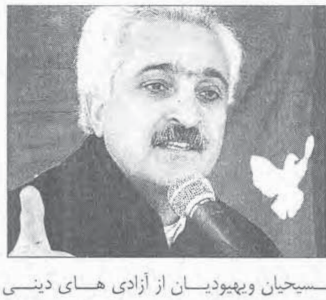
برگزاری کنفرانس

"صلح در اندیشهٔ اسلامی"

احمد مهدی

کنفرانس یک روزهٔ صلح در اندیشهٔ اسلامی به تاریخ ۲۴ میزان از سوی وزارت امورخارجه در تالار آن وزارت برگزار شد، در این کنفرانس عدهٔ از دانشمندان دینی، روزنامه نگاران، نویسندگان و مسؤولان دولتی، اعضای شورای ملی و کارمندان وزارت امورخارجه اشتراک نمودند.

درجلسهٔ افتتاحیهٔ کنفرانس، داکتر رنگین دادفرسپنتا وزیرامورخارجه سخنرانی نمود. داکتر سپنتا درسخنان خویش با اشاره به تمدن اسلام، دولت اسلامی اندلسی را نمونه مدارا و دگرپذیری اسلام دانست و افزود در اندلس اسلامی پیروان سایر ادیان مانند



مسیحیان ویهیودیان از آزادی های دینی وعقیدتی برخوردار بودند و در کنار مسلمانان زندگی صلح آمیز داشتند، وی سقوط اندلس اسلامی را پایان دگرپذیری و آغاز استبداد واختناق خواند و یاد آور شد که پس از سقوط مسلمانان دولت مسیحی، مسلمانان و یهودیان را از اندلس بیرون کردند و یا آن ها را مجبور به ترک باورهای دینی شان ساختند.

داکتر سپنتا با اشاره به مذاکرات دولت با طالبان، ظاهراً نا رضایتی خویش را از این مذاکرات ابراز نموده گفت در این روز ها در کشورما سخن از صلح است، اما صلحی که ما نمی دانیم با چه کسانی صلح می کنیم و چگونه صلح می کنیم، وی مذاکره و صلح با گروه های مخالف را مشروط

ادامه درص۳

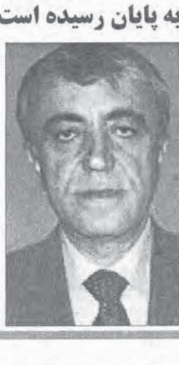
سخنی در باب ترمیم کابینه

سؤال این است که اگر این آقایان وزرای موفقی بودند پس روی کدام دلیل در شرایطی که کمتر از یک سال به انتخابات باقی مانده است این جابه جایی صورت گرفت؟ وزارای جدید تا به کار در وزارت خانه های جدید وارد شوند، دوران حکومت جناب کرزی به پایان رسیده است

ص۲









نگاهی به

بحران اقتصادی جهان

وحید مژده

بحران اقتصادی که از امریکا آغاز شد و به سرعت اروپا را درنوردید وسر از آسیا درآورد، واقعهٔ غیر مترقبه نبود. سایهٔ این بحران از مدت ها قبل بر اقتصاد جهانی احساس می شد و بلند رفتن قیمت انرژی و مواد غذایی در جهان چون مرغ طوفان خبر از رسیدن این بحران داشت.

در امریکا وقتی این بحران به صورت جدی اقتصاد را تهدید کرد که بانکهایی که برای خرید خانه به مردم قرضه داده بودند به مشکل مالی مواجه شدند. کسانی که این قرضه ها را



دریافت نموده بودند اکثراً از بازپرداخت آن به بانک ها عاجز ماندند و بانک ها ناچار بودند تا خانه ها را از آن ها باز پس بگیرند اما این کار نمی توانست مشکل کاهش نقد ینگی را در بانک ها حل نماید.

ادامه درص۷

مسلح سازی اقوام در جنوب کشور

ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
موسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

بالآخره رئیس جمهور کابینه را تغیر داد!

از مدت ها پیش انتظار می رفت رئیس جمهور به منظور اصلاح امور و جلوگیری از روند رو به رشد فساد، ضعف دستگاه حکومت و نارضایتی مردم دست به ایجاد تغییرات در حکومت و در میان مسؤولان بلند پایه دولتی بزند.

بالاخره پس از انتظار طولانی این تغییرات از سوی رئیس جمهور اعلان گردید، اما تغییرات اعلان شده قطعا کمتر از آن چیزی بود که مردم افغانستان توقع داشتند. تغییرات در حلقهٔ تنگ پیروان و هوا داران نزدیک رئیس جمهور صورت گرفته، اشخاصی از یک پست به دیگر پست تبدیل گردیدند و هیچ چهره جدیدی از بیرون آن حلقه تنگ، واردکابینه یا پست مهم دیگر نشد. این مسأله نشان می دهد اشخاصی که رئیس جمهور به آن ها اعتماد دارد، شمارشان بسیار اندک می باشد و یا این احتمال هم وجود دارد که ممکن است رئیس جمهور در حلقه تنگ متشکل از مافیای قدرت محصور بوده، نمی تواند، شخصی را خارج از اعضای این حلقهٔ مافیایی وارد دستگاه خود بسازد.

در صورتی که مسؤولان جابجا شده در مدیریت ارگان های دولت ناکام بودند، لازم بود، آنها کنار گذاشته می شدند و افراد جدیدی به جای شان تعیین می گردید، و اگر این افراد از دیدگاه رئیس جمهور موفق بودند با توجه به زمان اندکی که از عمر حکومت مانده است، باید به کارشان در همان اداره های سابق خویش ادامه می دادند.

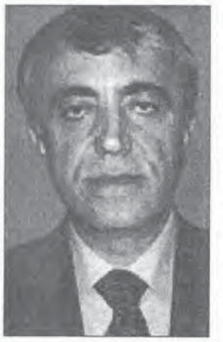
عوامل این احتیاط کاری هر چه باشد، اکثر مردم از آن نا امید شده اند، مردم فکر می کنند که این تغییرات به هیچ وجه به منظور حل مشکلات آنها صورت نگرفته، بلکه به منظور آمادگی رئیس جمهور برای انتخابات آینده به میان آمده است. رئیس جمهور، خواسته است تا در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری نزدیک ترین افراد تیم خویش را در پست های مهم چون وزارت داخله و وزارت معارف که می تواند در روند انتخابات تأثیر گذار باشد، بگمارد، این موضوع نگرانی هایی را در زمینهٔ شفافیت انتخابات آینده نیز دامن زده است.

همه می پذیرند که حکومت با ضعف ها و چالش هایی بزرگ روبرو است، مهم ترین چالش فساد می باشد که همهٔ دستگاه های حکومت را فراگرفته است، برای اصلاح امور، ایجاد تغییرات اساسی در دستگاه حکومت یکی از گزینه ها باید باشد. رئیس جمهور اگر نمی توانست یک حکومت نجات ملی را برگزینند، حداقل باید جرأت آن رامی داشت که افراد شایسته را از بیرون حلقهٔ همکاران نزدیک خویش که بی کفایتی اکثرآن ها مسلم شده است برگزینند. این جابجایی محدود و احتیاط آمیز به هیچ صورتی تغییری نیست که بتواند دردی را دوا نماید.

صاحب نظران شک دارند در مدت اندکی که از عمر حکومت آقای کرزی مانده است، اعمال اصلاحات اساسی درحکومت افغانستان ممکن باشد، ناگزیر برای اصلاحات باید منتظرماند، دورهٔ کار آقای کرزی به پایان برسد و دولت جدید تغییرات بنیادی ساختاری در نظام افغانستان به میان آورد.









سخنی در باب ترمیم کابینه

ابوبکر سبزوار

بیش از یک سال قبل بود که شایعاتی مبنی بر تغییر در کابینهٔ آقای کرزی به گوش می رسید و حتی سخنگوی ایشان آقای حمید زاده هم چندین بار به چنین تغییر اشاراتی داشتند. سرانجام این انتظار به پایان رسید و چند روز قبل تغییرات در کابینه اعلام شد اما چشم مردم به دیدار چهره های جدید روشن نشد. وزرای نامزد همه کسانی بودند که قبلاً در پست های وزیر و معین و والی کار کرده بودند.

به نظر می رسد که آقای کرزی فهرستی در اختیار دارند که مسؤولین حکومتی را از همان فهرست بر می گزینند. ایشان بیرون از این فهرست نه کسی را می شناسند و نه هم توان به کار گرفتن کسانی را خارج از این فهرست دارند.

سؤال این است که اگر این آقایان وزرای موفقی بودند پس روی کدام دلیل در شرایطی که کمتر از یک سال به انتخابات باقی مانده است این جابه جایی صورت گرفت؟ وزارای جدید تا به کار در وزارت خانه های جدید وارد شوند، دوران حکومت جناب کرزی به پایان رسیده است. جالب است که سخنگوی رئیس جمهور گفت که این کار به منظور بهبود امور صورت گرفته است.

مسألهٔ جنجال برانگیز تقرر آقای اتمر به جای آقای ضرار احمد مقبل در پست وزارت داخله است. آقای اتمر قبلاً و زمانی که هم جوان بودند و هم از نعمت پا برخوردار، در ادارهٔ خاد رژیم کمونیستی ایفای وظیفه می نمودند. اما پس از مدتی کار در کمیته های خارجی، غرض تحصیل به انگلستان رفتند و در بخش های مربوط به کمک به روستاها آموزش دیدند. اما زمانی که اتمر به حیث وزیر تعلیم وتربیت مشغول به کار شد، زیر دستانش از ایجاد نوعی نظام پولیسی در وزارت ایشان شکایت داشتند. این مسأله نشان می دهد که آقای اتمر بیشتر علاقمند کار در عرصه های انتظامی بودند و حتی در وزارتی چون تعلیم وتربیت نیز از تمرین در این زمینه غافل نماندند.

به هرحال اکنون مشکل این است که آیا وکلای پارلمان این تغییر را خواهند پذیرفت؟ صبح روزی که قرار بود ترمیم کابینه اعلام شود، جمع کثیری از وکلای پارلمان در رستوران شاندیز گرد هم آمدند و می خواستند نزد آقای کرزی بروند و از وی تقاضا کنند که در مورد تغییر آقای مقبل در تصمیم خود تجدید نظر نمایند. این خبر به گوش رئیس جمهور رسید و قبل از این که وکلا بدیدار وی بروند کرزی آنها را در مقابل یک عمل انجام شده قرار داد. او دستور داد تا قبل از این که از وی چنین خواهشی صورت گیرد، ترمیم کابینه اعلام گردد. این کار نیز به خشم هواداران مقبل افزود.

بخشی از وکلای پارلمان از کنار نهاده شدن آقای مقبل سخت برآشفتند و آقای رئیس جمهور هم برای این که هم آنها و هم جناب مقبل را راضی سازد، اعلام نمود که به پاس خدمات ارزنده و قابل قدر ضرار احمد مقبل در پست وزیر داخله، به ایشان مدال عالی دولتی وزیر محمداکبر خان را اعطا می نمایند. البته جای این سؤال هنوز در اذهان باقی است که در صورتی که یک وزیر چنان در ایفای وظیفه مؤفق بوده که مستحق دریافت عالیترین نشان دولتی گردیده است پس چرا باید از یک کرسی به کرسی دیگر تبدیل گردد؟ همه می دانند که این کار نوعی دلجویی از مقبل است در حالی که آقای سنجر رئیس پالیسی در دفتر آقای کرزی به رادیو آزادی هم از مقبل قدردانی نمود و هم به مشکلاتی که وزارت داخله در تحت رهبری آقای مقبل داشت اشاره نمود.

هدف از به میان آوردن این تغییرات بی موقع، آمادگی برای انتخابات ریاست جمهوری است. هدف هرچه باشد، این جریان تنش میان ولسی جرگه و آقای کرزی را افزایش خواهد داد. از آن جایی که رئیس جمهور تصمیم خود را گرفته است، تجدید نظر در تصمیم برای وی ناممکن خواهد بود و وکلای ناراضی نیز سعی خواهند کرد با رد تصمیم رئیس جمهور، در برابر تصمیم وی بیاستند

از طرف دیگر پارلمان کشور که از برخورد رئیس جمهور در برابر فیصله های گذشته اش از وی دل خوشی ندارد، فرصت مناسبی را به دست آورده تا از آقای کرزی انتقام بگیرد. قضیهٔ وزیر خارجه آقای سپنتا که در آن رأی نمایندگان ولسی جرگه به مخالفت رئیس جمهور مواجه شد، رابطه میان رئیس جمهور و پارلمان را سرد ساخت و حتی بعد از آن به تعداد کرسی های خالی در پارلمان افزوده شد. اینک فرصت آن میسر شده تا جمعی از وکلا که با آن عکس العمل رئیس جمهور خود را تحقیر شده احساس می کنند، با رد همه وزارای پیشنهاد شده، برای رئیس جمهور مشکل ایجاد کنند.

در این میان جای آقای فاروق وردگ به عنوان وزیر دولت در امور پارلمانی که در چنین شرایط می توانست حداقل عده یی از وکلا را قناعت بدهد، در این میدان خالی است زیرا خود وی یکی از وزرای پیشنهادی است و نمی تواند مانند سابق در این عرصه از استعداد خود بهره بگیرد.

آقای کرزی که در چنین موارد معمولا محافظه کارانه تصمیم می گرفت این بار از خود نوعی قاطعیت نشان داد. شاید آقای کرزی مطمئن است که از راه های دیگر می تواند به اقناع وکلای ناراضی بپردازد و یا این که ابعاد این مشکل را به دقت ارزیابی نکرده بود.

آقای کرزی قبلاً تلاش کرده بود تا جبههٔ متحد را از خود راضی سازد و در انتخابات رای آنان را به دست آورد اما به نظر می رسد که دیگر از رسیدن به این هدف مأیوس است زیرا جبههٔ متحد به صراحت اعلام داشته که در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری کاندید مستقل خود را خواهد داشت و دنباله رو کسی نخواهد بود. کرزی با توجه به این مسأله خواست تا کسی را که بیشتر مورد اعتماد وی است به مقام وزارت داخله بگمارد.

بسیاری به این باورند که هدف از به میان آوردن این تغییرات بی موقع، آمادگی برای انتخابات ریاست جمهوری است. هدف هرچه باشد، این جریان تنش میان ولسی جرگه و آقای کرزی را افزایش خواهد داد. از آن جایی که رئیس جمهور تصمیم خود را گرفته است، تجدید نظر در تصمیم برای وی ناممکن خواهد بود و وکلای ناراضی نیز سعی خواهند کرد با رد تصمیم رئیس جمهور، در برابر تصمیم وی بیاستند. چند روز آینده به عنوان روز های حساس در دوران ریاست جمهوری آقای کرزی ثبت خواهد شد.



مسلح سازی اقوام در جنوب کشور

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

به گفتهٔ سخنگوی دفتر ریاست جمهوری افغانستان، طرح مسلح سازی مناطق نا امن کشور و سران قبایل سه سال پیش از جانب رئیس جمهور پیشنهاد گردیده بود، اما این طرح از سوی جامعهٔ جهانی به ویژه ناتو در این اوضاع خطیر مورد تایید قرار گرفته است. به گفتهٔ صاحب نظران و برخی از اعضای شورای ملی تطبیق این طرح، تنها در جنوب کشور و مناطق آشوب زده و جنگی عملی خواهد شد.

جنرال دیوید دی مکرنن فرماندهٔ عمومی نیروهای بین المللی در افغانستان از این طرح استقبال نموده و گفته است این طرح در مناطق پرآشوب جنوب و قبایل سرحد ضروری پنداشته می شود. این فرمانده گفته است:" ما از ایجاد دسته های مسلح اربکی به خاطر احیای ساختار های قومی که درگذشته ها در تامین امنیت مناطق نقش داشته اند، حمایت می کنیم، اما به هیچ وجه اجازه نمی دهیم این نیروها به جنگ سالاران و نیروهای مخرب امنیت مردم تبدیل گردند".

این حرکت در شرایطی در جنوب و در میان قبایل همرز با پاکستان به راه انداخته می شود، که هنوز آهنگ خلع سلاح در شمال و مرکز و سایر مناطق سر زبان هاست و دایاگ در حالی که هم اکنون درشمال و مرکز برنامه دی دی آر جریان دارد، دولت مصمم است که جنوب را به بهانه استقرار امنیت مسلح سازد.

تا هنوز نحوهٔ سازماندهی این گروه های ملیشه توضیح نشده است، آیا این اربکی سازي مشابه اربکی سازی های دوره محمد نادرخان است که از جنوب کشور به پایتخت سرازیرشدند و از آنجا تاکستان های شمال را زیر و رو کردند و بر بحران قومی دامن زدند که آثار این لشکرکشی ها تا هنوز در ذهن مردمان شمال کابل وجود دارد، این ملیشه ها بزرگترین پشتوانه برای حکومت نادرخان محسوب می گردیدند، این ملیشه ها بودند که سرهای مخالفان را به حکومت تقدیم می کردند و درمیان اقوام کشور خشونت کشت می نمودند. این کار درگذشته های افغانستان موجب تفرقه، نفاق ملی، وبی ثباتی را موجب گردیده است.

تجربهٔ دیگر ملیشه سازی در حکومت حزب دموکراتیک خلق عملی شد. این تجربه

طرح ملیشه سازی مانند سایر سیاست های دولت، مبهم و نا مشخص می باشد، تا هنوز روشن نیست که چه شرایطی برای گزینش افراد ملیشه در نظر گرفته شده و صلاحیت ها و وظایف آنها چیست، در کدام مناطق مستقر خواهند شد و چه حقوق و امتیازاتی برای آنها در نظر گرفته شده است. لازم است قبل از هر اقدامی پیرامون نحوهٔ فعالیت این نیروها پرداخته شود.

***

هیچ تضمینی وجود ندارد که سیاست ملیشه سازی کنونی نیز به همان نتیجه منجر شود و روزی به عاملان بی ثباتی و انواع فساد اجتماعی تبدیل نگردند.

نیز نه تنها به کدام نتیجه یی منجر نشد بلکه خود عامل بی ثباتی، فساد، قاچاق و قانون شکنی گردید.

هنوز درگوش مردم افغانستان طنین و آهنگ نا میمون گروه های مانند:گلیم جم، عصمت مسلم و سیداحمد درهرات و ملیشه هایی که درشرق کابل حاکمیت برق سروبی را در اختیار داشتند وجو دارد. هیچ تضمینی وجود ندارد که سیاست ملیشه سازی کنونی نیز به همان نتیجه منجر شود و روزی به عاملان بی ثباتی و انواع فساد اجتماعی تبدیل نگردند. تا هنوز مشخص نیست که این نیروها تحت نظارت کدام نهاد دولتی، وزارت دفاع، داخله و یا امنیت ملی قرار خواهد داشت ویا آیساف و ناتو مسؤولیت آن ها را به دوش خواهد گرفت. ایجاد یک چنین نیروی اربکی و ملیشه هایی که از سوی دولت و نیروهای بین المللی در جنوب و مناطق قبایلی حمایه، تجهیز و مسلح می گردند. به طور قطع برای سایر مناطق افغانستان تحریک آمیز خواهد گردید و ممکن است دیگر مناطق برای مقابله با حوادث تاریخی مسلح گشته، دست به جمع آوری سلاح خواهند زد.

این کار در صورتی مفید خواهد بود که دولت برتمام قلمرو خویش حاکم بوده و جریان امنیت و حوزهٔ مسؤولیت ها از جانب دولت مشخص گردد. در این کار یک نوع توزیع سلاح بدست مردان غیرمسؤول خواهد بود که آنها هرچه بخواهند در مناطق تحت نفوذ خویش انجام می دهند، این کار به جای تقویت حاکمیت دولت مرکزی بر تشتت اوضاع کمک خواهد کرد. طرح چنین مسأله از وضعیت بد آیینه داری می کند و نشان می دهد که نیروهای بین المللی تمام تجارب خویش را در جهت بازگشت استقرار در این کشور به کاربسته اند و هیچ یک نتیجه نداده است.

طرح ملیشه سازی مانند سایر سیاست های دولت، مبهم و نا مشخص می باشد، تا هنوز روشن نیست که چه شرایطی برای گزینش افراد ملیشه در نظر گرفته شده و صلاحیت ها و وظایف آنها چیست، در کدام مناطق مستقر خواهند شد و چه حقوق و امتیازاتی برای آنها در نظر گرفته شده است. لازم است قبل از هر اقدامی پیرامون نحوهٔ فعالیت این نیروها پرداخته شود. لایحه، ضوابط، طرزکار، میزان فعالیت های این نیروها در نظرگرفته شود ارگان ها و نهاد هایی که از کار وفعالیت این نیروها نظارت می کنند باید مشخص گردند. مقدار امتیازات در یک زمان بندی معین از سوی شورای ملی کشور مورد تایید قرار گیرد. در غیرآن این نیروها مادام العمر به وسیلهٔ این حمایت و سلاح های دست داشته خویش بر مردم حکومت خواهند کرد و از این طریق و به وسیلهٔ تفنگ امرار معاش خواهند کرد. طوری که اسناد نشان می دهد تعدادی از اربکی هایی که در رکاب محمد نادر به کابل آمده بودند و به اشاره ابروی این شاه شمال را ویران کردند بعدا از سوی محمدنادر با امتیاز های شاهانه مادام العمر مفتخر گردیدند. تعدادی از آنها به رتب جنرالی اعزاز نیز نایل آمدند. در حقیقت آنها امتیازات مادام العمر در بدل اعمال ضد ملی و ضد انسانی خویش به دست آوردند.

کنفرانس یک روزه ...

به پذیرش قانون اساسی از سوی این گروه ها اعلام نمود.

وزیر امورخارجه از قدرت های خارجی در افغانستان نیز انتقادکرد، وی به قدرت هایی اشاره کرد که گویا می خواهند کشور را به دشمن تحویل دهند و گفت خارجیانی که به کمک ما آمدند و میخواهند این خاک را به دشمن تسلیم کنند بهتراست به خانه های شان برگردند.

سخنرانان دیگر جلسه افتتاحیه آقای نجیب الله مجددی، داوود مرادیان، بهاوالدین بها و قسیم اخگر بود.

گفتمان "صلح در اندیشه اسلامی" در شرایطی که کشور بیش از هر چیز به صلح وآرامش نیاز دارد، از اهمیت خاصی برخورداراست، اما به باور شماری از اشتراک کنندگان این کنفرانس نتوانست این توقع را بر آورده سازد. کنفرانس مذکور بیشتر به یک همایش مطبوعاتی شباهت داشت و جز یکی دو نفر سایر اشتراک کنندگان، اشخاص بیرون از جامعه علما و اندیشه ورزان دینی بودند، تخصصی در موضوعات دینی نداشتند و صاحب نظران و دانشمندان دینی افغانستان در این کنفرانس دعوت نشده بودند.

انتقاد کنندگان بر این نظر بودند که می بایست در چنین همایشی دانشمندان شناخته شده و با اعتبار دینی، صاحب نظران اندیشه اسلامی از کشورهای دیگر مخصوصا ایران، ترکیه و مصر دعوت می شدند، پژوهش و ابراز نظر چنین دانشمندان می توانست جوانب مختلف موضوع را روشن سازد، در این صورت باید کنفرانس برای چند روز در نظر گرفته می شد.

همچنان باید در این کنفرانس کشورهای دیگر مانند علمای دینی کشور و حتا علمایی از پاکستان و هند دعوت می شدند و در پایان فتوای مبنی بر اهمیت صلح در اسلام، و ضرورت صلح و آشتی در افغانستان و دست برداری از جنگ صادر می کردند، چنین فتوایی می توانست زمینهٔ صلح در کشور را هموار سازد و در پایان دادن جنگ و خشونت اثرگذار باشد.

عدهٔ نیز از این که زبان پشتو در این کنفرانس نقش نداشت انتقاد کردند و در جلسه اعلامیه یی توزیع نمودند اما برگزار کنندگان کنفرانس اعتراضات آنها را بی اساس و مغرضانه خوانده گفتند، فراخوان ارسال مقاله و نوشته از چند ماه پیش اعلان شده بود، اما در میان ۳۰ مقاله رسیده تنها یک نفر به زبان پشتو مقاله تسلیم داده بود.

ايا تولستوی مسلمان شوی و؟

دويمه برخه

د محمد نسيم فقيری ژباړه

دتولستوی خواب

تولستوی د ۱۹۰۹ م کال د مارچ په ۱۵ نيټه نوموړی ليک ته ځواب وايي:

ميرمن يلناوکيلاوا ته!

لازم ګڼم چې ستاسې د زامنو ليوالتيا او خواخوږي د تاتار له خلکو سره د مرستې په هکله وستايم او له هغوی نه منځه وکړم.

نو د تاتاريانو سره دمرستې لپاره د اسلام دين اومحمدي آئين ته اوښتل دير ضروری کار دی. او داچې ستا زامن مسلمانان شوي دي دا په هغوی پوري اړه لري. دوی دې ته نه ودې اړچې نوروته دلايل او اسباب وړاندې کړي او دامعامله د هغوی او د خدای ترمنځ ده.

دا کار نبايد د شرم او دګناه احساس له خانه سره ولري او دا چې دوی حکومت ته خبرورکړی يانه، زه څه نشم ويلای.

په دې هکله چې د اسلام دين او محمدي تعليمات د مسيحيت په پرتله ډير با ارزښته دي او لوړ مقام لري. همدارنګه چې ستاسې زامن دې آسماني فکر ته خدمت کوي، زه د زړه له کومې د هغوی سره همفکريم او هغوی ته مبارکي وايم.

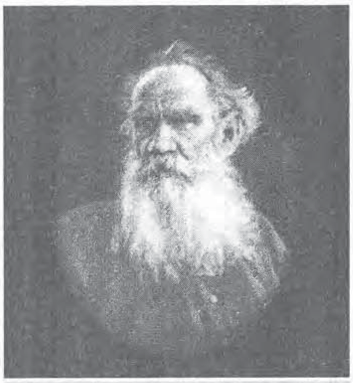
هغه کس چې اوس تاسو ته خط ليکي. کلونه کلونه له مسيحيت سره مشکل لري او بايد په ډاګه کړم چې محمدي ښوونې د هغه څه نه چې له ورايه ښکاري. له مسيحيت نه ډيرې کاملې او با ارزښته دي.

کم ترکمه د اسلام ظاهري ځانګړتيا له مسيحيت سره د پر تلې وړندي. که چيرې هر انسان ته دا ممکن وای چې له اسلام او مسيحيت دواړونه يوخوښ کړي او دخداي عبادت له همدې ليرې وکړي نودمسيحيت پرښنسټ حضرت مريم ته ايمان او د هغې عبادت کول. همدارنګه حضرت عيسی او حضرت جبرئيل عبادت کول د خدای د عبادت ترڅنګ څرنګه امکان لري؟

د څومعبودانو عبادت له توحيدي دين سره ټکرلري.په داسې حال کې چې اسلام يوازې د يو او واحد خدای د عبادت سپارښتنه کوي. نو همدا لامل دی د اسلام لوړوالی او ښه والی د مسيحيت په مقابل کې په ګوته کوي او هر انسان چې د سليم عقل خاوندوي نو حتمی خبره ده چې اسلام ته به مخه وکړي نه بل دين ته.

دين د ټولو انسانانو لپاره مهم دی او د انسانانو د ودې لپاره ديني شعورته اړتيا شته او دبنی آدم بلوغ هم په دين پورې اړه لري. ددې لپاره چې انسانانو تکامل آسان او ګړندی شي نو واضحه ده چې دين بايد هم ساده وي او دخلکو په ژبه وي.

يعنی په هغه ژبه چې خلک په ښه توګه پرې پوه شي. له پخوا زمانو څخه تر ننه پورې دټولو فيلسوفانو. مفسرينو او ديني علما و دنده داوه چې د خدای له خوا ټاکل شوې اصول يعنی هغه اساسات چې په اديانوکی شته، دخلکو دورځيني ژوند لارښوونې له پاره وکاروي. دمثال په توګه د هندوانو په کتاب يا وروسته د موسی ع په تورات، د بودا په ښوونو، کنفيسوس. مسيحيت يا په اسلام کې داسې هدايات شته چې ډيرې ژورې فکري



د اسلام په لارښوونو کې د ټولو سپيڅلو اديانو تعليمات نغښتي دي او په خاصه توګه د مسيحيت له دير و حقايقو سره ورته والی او نژدی والی لري.

****

د تولستوی د ليک نه په ډاګه څرګنديږی چې هغه مسلمان شوی و او هغه دوه ورونه هم د تولستوی د سپارښتنی پربنسټ مسلمان شوی دي

ريښې لري چې په ساده توګه بيان شوي دي.

د دين تبليغ خدمتګارانو ډير درانه مسوولیتونه دردلول اولري يې او د تاريخ په اوږ دوکې ډيرو مبلغينو په ښه توګه زيار ايستلی و هلې ځلې يې کړي دي او لږوکسانو د شخصي يا قومي ګټولپاره کارکړی دی.

په اکثرو اديانوکی حقايق تحريف شوی نو پرهغوی باندی هم ډيري ګوتنيونې شوي دي نو له دې کبله د ديني خدمتګارانو کار ګران شوي او همدا لامل دی چې په مخکنيو اديانو کې د معجزو شميرزيادو چې د يهوديت نه شروع، او بيا وروسته د بودا په آئين او کنفيسوس او تاوئيزم په تعليماتو کې او له هغوی نه کم په مسيحيت کې او بيا ديرکم په آخرين دين يعني اسلام کې ليدل کيږی. نو د اسلام د ښه والي او لوړوالی يوستر دليل کيدای شي چې همدا وي.

له دي نه چې تيرشو د اسلام په لارښوونو کې د ټولو سپيڅلو اديانو تعليمات نغښتي دي او په خاصه توګه د مسيحيت له دير و حقايقو سره ورته والی او نژدی والی لري.

ځکه چې دالهي اديانو اساس پرخدای ايمان دی او ديني تعليمات هم انسانان د خدای د عبادت په لوربيايي. نو ويلای شو چې اسلام تر ټولو اديانو دا کار ښه ترسره کولای شي. بخښنه غواړم چې په تفصيل او اوږد ليک ليکم دليل يې دا دی چې تاسې زما په عقايدو پوه شئ او خپلو زامنوته يې منتقل کړئ ترڅو د هدايت او تعالی په لاره روان شي.

د دين اصل او اساس پر حقيقت باندی ولاړدی هغه حقايق چې پر تيروباندې خليږي او دانسان ستر کار دی پرحقايقو ايمان او پر دين باندی ايمان.

زه نه پوهيږم چې ستاسی زامن د اديانو او په ځانګړي توګه د اسلام په باب څومره معلومات لري يا يې نلري؟ ددې پوښتنې خواب (مثبت يا منفي) توپير نلري ځکه چې ډير کتابونه شته چې د اديانو او په ځانګړي توګه د اسلام په هکله بشپړ معلومات لري او ستاسی زامن کولای شي چې د اديانو او اسلام په هکله ښه پلټنې وکړي.

بايد هيره نکړو چې ځينی مذهبونه شته چې د اسلام په نامه خلک د ګمراهی او غلطې لياري ته سوق کوي د دوی له جملې څخه يو بهائيت دی چې د اسلام تر نامه لاندې لومړي په ايران کې پيدا شو او وريسی کوچنی آسياته ولاړ او هلته يې پښې مظبوطې کړې. بهائيت د بها الله له نامه څخه اخيستل شوی چې په "عکا" کې ژوند کوي. دا دين په ۱۸۱۷-۱۸۹۲ م د ميرزاحسين علی له خوا په ايران کې منځ ته راغی. دې سړي په ۱۸۶۳ کال لومړی په تبريز او له هغه نه وروسته په بغداد کې د پيغمبری او نبوت دعوه کړې وه او له همدی کبله له ايران نه ترکيې ته تبعيد شو. له هغه نه وروسته د هغه ځوی عبدالبهاء د پلار لاره تعقيبوی. بهائيت له يهوديت او عيسويت نه ځيني خبرې اخيستي دي. بهائيان په ورځ کې دری ځله لمونځ کوي او کعبه د قبلې په حيث نه مني بلکې د بهاء الله ځای ته د قبلې مقام ورکوي.

دوی دوه کتابه لري چې يو يې بيان او بل يې اقدس نوميږي.

دا يو باطل باور دی او بايد ونه منل شي.

بل دين چې بايد د اسلام په نوم و نه منل شي. هغه دی چې لومړی يې د ګدزان په ښارکی ظهوروکړ او خپل پيروان او مريدان يې د"واسيوويچ" په نوم ونومول يعنې د خدای لښکر!

دوی غوښتل چې خپل اعتقادات په انساني او د انسان دوستی په قالبونوکې واچوي ولې په واقعيت کې يې هغه سره دښمني کړې ده نو له دې کبله بايد د اسلام يا هر بل دين په نامه له هغوی نه پيروی ونشي.

که چيرې زما افکار دغلطو فکرونو د پريښودو لامل وګرځي. نو دير زيات خوشحاله کيږم او په پای کې ستا او ستا له زامنو څخه غواړم چې ما له خپلو فعاليتونو څخه پا خبره وساتی.

په مننه

لؤن تولستوی

د تولستوی دليک د تاثير په نتيجه کې دواړه ورونه د تفليس د زاکف ګازيا په روحانی اداره کې د اسلامی مرکز د امام له خوا ومنل شول او هغوی ته د مسلمانيدو مهر شوی سند د ميرزا حسين افندی کيب زاده له خوا ورکړی شو.

په دې توګه د بوريس نوم په فاريس او د کلب نوم په غالب بدل شو.

په ۱۹۷۸م کال د ماسکو په ښار کې د لئون تولستوی په نوم يو موزيم پرانستل شو او دا ليکونه د فاريس له خوا د مهمو سندونو په توګه نوموړي موزيم ته وړاندې شول چې اوس هم هماغلته شته

د تولستوی د ليک نه په ډاګه څرګنديږی چې هغه مسلمان شوی و او هغه دوه ورونه هم د تولستوی د سپارښتنی پربنسټ مسلمان شوی دي.

پای

دو شعر از محمد نادر ظهير

استغناء

چه خوشم که بی نيازم به جز از خدا ننازم
به زمان کوته عمر، کرم اله نبازم

نه مريد دولتم من نه فدای شوکتم من
نه وصال ذلتم من به شراره ها نسازم

اندرون خويش بودن بهتراز گدا ستودن
به حريم کعبه رفتن، به حکيم برم نيازم

به ضعيف کمر بستن ازخدای دل گسستن
نبود فلاح و رستن که به غيرحق نوازم

به {اياک نعبد} من کمر وثوق بستم
و {اياک نستعين} رابغنای خويش طرازم

اگرم خدا بخواهد ز بلا مصئون بدارد
نه غلام بنده باشم نه فدای امتيازم

به شکوه آدميت به صلابت وسعادت
بی خيالم از عزازيل که بگيرمش جوازم

همهٔ حيات و موتم نفس و ندا وصوتم
نفحات بعد فوتم به تو آورم نمازم

تهيدستان

ديشب به هوای دل بيمار تپيدم
درپيچ و خم کوچهء عشق يارنديدم

ميخانه برفتم درمسجد نواختم
دربادیهء گمشده جز خار نديدم

کوهپايهء شهريکه تماشاگه دل بود
جزسنگ وسفال و شبهی تار نديدم

درغار دراويش نظرم سوی خفاشد
مشتاقی درآن خانهء اسرار نديدم

شيراز شدم درحرم شيخ غزلخوان
در شهر غزل حافظ عيار نديدم

طوس آمدم وشهر هری نزد خيابان
فردوسی نبود رازی و انصارنديدم

رفتم به سراغ می خيام و سنائی
جز لوح حجر، دستخط حجارنديدم

آن مزرعهء سبز غزالان گهر فام
بی برگ وگياه گشته وغمخوارنديدم

دربلخ و بخارا و سمرقند ونيستان
جمعی متأثر از اين کار نديدم

عصری که درآندکتورورايانه فراوان
امراض عجيب است که در پار نديدم

آئينه گرفتم که رخ خويش ببينم
بيگانهء يافتم که ديگربار نديدم

اقدامی تحریک آمیز

نیروهای خارجی در ولایت بلخ

ثامر

به گزارش رسانه ها، به تاریخ ۲۰ میزان سال جاری پنج هلی کوپتر متعلق به نظامیان خارجی مستقر در افغانستان بدون اطلاع قبلی با مقامات و مسولان ولایت، در خان آباد ولسوالی چهاربولک ولایت بلخ فرود آمده به بهانهٔ تلاشی باعث اذیت و آزار ساکنان آن قریه و چپاول اموال شان شده اند.

آقای عطامحمد نور والی ولایت بلخ، در یک کنفرانس مطبوعاتی، با محکوم کردن این عمل، افراد را مجهول الهویه خوانده گفته است که، در این یورش شب هنگام، اهالی قریهٔ خان آباد مورد اذیت و آزار قرار گرفته و زیورات و اجناس قیمتی شان به غارت برده شده است.

کنترول آسمان بلخ که دراختیار نیروهای آلمانی قرار دارد، همچنان تیم پی آر تی و نیرو های ویژه یی امریکایی از تلاشی این منازل و اذیت و آزار اهالی آن منطقه انکار و اظهار بی اطلاعی کرده اند.

دولت افغانستان بارها به نیروهای خارجی پیشنهاد کرده است تا با قوت های افغانستان هماهنگی داشته باشند و در جریان قرار بدهند. بعد از حادثهٔ شیندند، دولت افغانستان به وزارت های امور خارجه و دفاع ملی وظیفه سپرد تا روی طرح قانونمند شدن نیروهای خارجی کار نمایند. اما طوری که دیده می شود، به گفتهٔ ضرب المثل مشهور: بازهم همان آش است و همان کاسه!



فرهاد عظیمی رئیس شورای ولایتی بلخ که منزل وی نیز مورد تلاشی قرار گرفته ، به رسانه ها گفته است که: ((مقداری از زیورات از منزل موصوف نیز به سرقت رفته است .))

وی علاوه میکند که این نیرو ها حتا دروازه ،کلکین و تخت های خواب و بکس های خانواده وی را شکسته و اموال را به یغما برده اند.

والی ولایت بلخ گفته است وقتی موضوع را به رئیس جمهور کشور حامد کرزی، تلفنی در میان گذاشت، ایشان نیز ضمن بی اطلاعی ازین رخداد، به روال همیشگی، آن را یک عمل غیر قانونی و برخلاف مصالح افغانستان خوانده است.

والی بلخ، هشدارداده است، اینگونه عملیات وعملکردهای خودسر، نه تنها درتامین امنیت افغانستان موثرنخواهد بود بلکه، سبب دوری مردم از دولت و باعث افزایش ناامنی ها به ویژه در مناطق امن افغانستان خواهد شد.

دولت افغانستان بارها به نیروهای خارجی پیشنهاد کرده است تا با قوت های افغانستان هماهنگی داشته باشند و در جریان قرار بدهند. بعد از حادثهٔ شیندند، دولت افغانستان به وزارت های امور خارجه و دفاع ملی وظیفه سپرد تا روی طرح قانونمند شدن نیروهای خارجی کار نمایند. اما طوری که دیده می شود، به گفتهٔ ضرب المثل مشهور: بازهم همان آش است و همان کاسه!

از صد و پنجاهمین سالروز آغاز مبارزات سید جمال الدین تجلیل به عمل آمد

نذر الله عنایت

ازیکصد پنجاه ومین سالروز، آغازمبارزات آزادی خواهانهٔ ، متفکر شرق علامه سید جمال الدین افغانی ، طی سمینارعلمی وتحقیقی تجلیل به عمل آمد.

این سمینارکه به ابتکار وزارت اطلاعات وفرهنگ وسازمان بین المللی یونسکو راه اندازی شده بود با پیام رئیس جمهورکرزی گشایش یافت.سپس وزیرفرهنگ آقای خرم به سخنرانی پرداخت و به ابعاد زندگی سیاسی ، فلسفی ، علمی وتحقیقی این مرد بزرگ اشاره نمود. آقای خرم تأکید کرد که : ما افغانستانی ها بیشترازهمه وقت امروز به افکار سید جمال الدین ضرورت داریم ، زیرا سیدبه اتحاد ویکپارچگی مسلمانان را دعوت می کرد.

ولی بنا به روایات برخی ازگزارش گران، خرم از تلویزیون ملی خواسته است که همه گفته های وی را نشر نکنند (شاید ترس او ازنقل قول های مودودی وانتقادهای او ازدموکراسی باشد)

ولی آنچه نسبت به این سمینار قابل ذکرمی باشد، این است که با توجه به شخصیت وعظمت سید جمال الدین ، سطح این سمینارپایین بود. باید دراین سمینار شخصیت های مهمی از کشورهای مصر ،



فرانسه ، ترکیه ، وروسیه ، ایران ، هند وپاکستان شرکت می داشتند که متأسفانه هیچ خبری ازآن نبود.

محتوای مطالب این سمینار بیشتر نتایج تحقیقاتی بود که درباره شخصیت سید جمال الدین افغانی درسال ۱۳۵۵ در زمان زمام داری داوود خان صورت گرفته بود و مقاله، توسط آقای بختیاری عضو اکادمی علوم به خوانش گرفته شد، یکی از مقالات آن سمینار سابق بود. همچنان مقاله یی به عنوان دربارهٔ افکار و آرای سید جمال الدین خوانده شد، که در اطراف افکار وی هیچ حرفی قابل توجهی نداشت.

بدون شک تجلیل وتکریم ازشخصیت های سیاسی ، فرهنگی ، نظامی ، اقدام با ارزشی دانسته می شود. با این کار از یک طرف ما از تجربیات و قهرمانان خود آگاه می شویم و از سوی دیگر، جایگاه مارا درحوزهٔ مدنیتی منطقه وجهان مشخص ساخته نشان می دهدکه دربساط فرهنگ واندیشه بشریت،چیزی برای گفتن داریم .

درشرایط کنونی آنچه که ازمبارزات سید برای ما مهم است پیام آزادی خواهی واستبدادستیزی سید جمال الدین است. اندیشه ها ی سید درحوزه های سیاست واجتماع شاخص های زیررا احتوا می نمود.

بیداری مسلمانان ، اتحادواتفاق آنها . استبدادزدایی ، پاسداری ازارزش ها وآرمان های اسلامی ومقابله با نفوذ فرهنگی استکباررا دربرداشت.

فریاد رسای سیدجمال که در تمام دنیای اسلام طنین افگند، پس از مرگش خفه نشد ، شاگردانش چون محمد عبده وعبدالرحمان کواکبی ... ونواندیشان دیگری دربعدها مانند ، اقبال لاهوری ، حسن البناء وسید قطب، دکترشریعتی ومرتضی مطهری راه اورا ادامه دادند ودربیداری جهان اسلام نقش فعالتری ایفاء نمودند.

گفتنی است که اثر تحقیقی و پژوهشی آقای فضل الرحمن فاضل زیر عنوان "سید جمال الدین الأفغانیٔ الحسینی بیدارگر عصر" به همین مناسبت از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز تجدید چاپ شده که در خور اهمیت است.

کنفرانس صلح در اندیشه اسلامی یا ...

و نظریه پرداز شرکت ورزیدند کسانی بودند که اطلاعات شان در بارهٔ نظریه های اسلامی غالباً از طریق ترجمه ها و دیدگاه های مخاصمان اندیشهٔ اسلامی و دردید خوشبینانه از کتاب های فارسی فراهم آمده است.

البته مراد رد آنچه در این کنفرانس گفته آمد نیست، سخنانی از سوی برخی از سخنرانان به ویژه داکتر سپنتا وزیرخارجهٔ کشور و کسانی دیگر گفته شد که در پیوند با حوادث جاری حایز اهمیت است، مااین سخنان مهم بیشتر می تواند به مثابهٔ اعلام موضوع وزیرخارجه در قبال مسائل و حوادث روز افغانستان تلقی شود تا یک بحث جدی در بارهٔ یکی از مهم ترین مسائل اندیشگی اسلام - "صلح در اندیشهٔ اسلامی".

صلح در اندیشهٔ اسلامی یکی از مقولات بسیار مهم در اندیشه اسلامی است که با مقوله های مهم دیگر اندیشهٔ اسلامی از قبیل حکومت و جهاد و امربه معروف و نهی از منکر و ... پیوند و آمیختگی جدایی ناپذیر دارد به گونه یی که حتی نمی شود آن ها را جدا از هم بررسی کرد.

تبیین چون وچند صلح در اندیشهٔ اسلامی راه بسیاری از مکاتب فکری و گروه های اسلامی را در برخورد با قضایای سیاسی و اجتماعی جدا می کند و تعریف وتلقی از بسیاری مقوله های دینی را متفاوت می سازد.

طرح صلح در اندیشهٔ اسلامی یک طرح کاملا علمی و متخصصانه است که باید مبتنی بر متون و منابع دست اول فرهنگ اسلامی صورت پذیرد و آن از سوی متخصصان شناخته شده ارائه گردد، در آن صورت است که می توان توقع کرد چنین کنفرانس هایی به نتایج مطلوبش دست یابد، یک چنین موضوعات بسیار پیچیده را نمی توان با گزارش های تاریخی و روزنامه نگارانه بررسی کرد.

چگونگی دیدگاه اندیشه ورزان اسلامی به مسأله صلح، تلقی و نگاه به جهاد در تاریخ اسلامی و حدود و ثغور دخالت حکومت در امور جامعه و مردم را دیگر گون می سازد، مثلاً صلح در دید فقهائی که سبب جهاد را کفر می دانند تا کسانی که سبب آن را حرابت(جنگ طلبی طرف مقابل) می دانند بسیار متفاوت است، و از آغاز دورهٔ اسلامی تا کنون این برداشت در میان اندیشه ورزان بزرگ طرفدارانی داشته است، آنانی که سبب جهاد را کفر می دانند به صلح به گونه یی می بینند که با دید آنانی که سبب جهاد را حرابت می دانند تفاوت دارد. گروه اول جهاد را هجومی می پندارند و گروه دوم آن را دفاعی می دانند و این تفاوت دیدگاه در بارهٔ جهاد بسیاری از مسائل روابط بین المللی را در اندیشهٔ سیاسی اسلام دیگر گونه می سازد.

این مباحث ایجاب می کند که با دقت و رعایت اصول علمی بدان ها پرداخته شود و از برخورد روزمرگی با آن ها اجتناب گردد. چه بسا که برخورد روزمرگی با چنین مباحث مهم نتایجی معکوس بار آورد و بر پیچیدگی مسأله بیفزاید.



به مناسبت صد و پنجاهمین سالگرد آغاز مبارزات سیدجمال الدین افغانی

بیدارگر بزرگ شرق

پوهنمل سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

سید السادات مولانا جمال زنده از گفتار او سنگ و سفال

اقبال

***

بدون شک شخصیت سید هم از این قاعده مستثنی نبوده و طلایه داری این مصلح بزرگ در خاور زمین به گونهٔ عام و در میان ملت های مسلمان به صورت خاص، در گرو همین شناخت از اوضاع اجتماعی سیا سی و دینی او در قرن نوزد می باشد ،که مظهر و برامدگاه او و پیام اوست

اشاره: این مقالت در اصل برای سیمیناری که طی دو روز از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ به مناسبت صد و پنجاهمین سال آغاز مبارزات سید جمال الدین افغانی که به تاریخ ۲۱ میزان ۱۳۸۷ در کابل برگزار شد تحریر یافته است.

مقدمه

بزرگ میهن اسلامی ما افغانستان ، دردرازای تاریخ به ویژه تاریخ اسلامی خویش زاد گاه اعجوبه ها و شگفتی ها بوده است، اعجوبه هایی که نه تنها بازتاب دهنده آفرینشگری ها و خلاقیت های فززندان این سرزمین در گونگون عرصه های ادب و فرهنگ ، علم و فلسفه و....می باشد که طلایه داری آنان را در کاروان تمدن و فرهنگ . نیز باز گو می کند. سر زمینی که کهساران عقاب آشیانش، دریاهای غریونده و آبشاران آن و نغمه سراییهای مرغان شاخسارانش همان گونه که الهام بخش سرفرازی و بلند نگری و هنگامه آفرینی و نغمه سرایی برای زندگی می باشند، همان سان ، پیام آوربلندهمتی و خود باوری نیز هستند .

دگر به سلسله کهسار خود بنگر
که تو کلیمی وصبح تجلی دگر است
" اقبال"

آغوش پروردگان این آب و خاک مردخیز و اعجوبه آفر ین ، پیشکسوتی نهضت های مختلفی را در این حوزهٔ تمدنی به خود اختصاص داده اند:

یکی با عقل تیز بین خویس در عر صهٔ حکمت مشایی، نکته های باریکترازمورا،می شگافد و عنوان شیخ الرئیس را کمایی می کند و به گونه یی که خودرا حلال همه مشکلات گیتی و یگانه دوران می خواند .(۱)

ابرفرزند دیگری این مرزبوم ، بابال های نیرومند عشق به عنوان "مرشد روشن ضمیر" خیمه اش را از کهکشان طناب ساخته و رازهای سربه مهر عالم معنی را جلوه فرمای صحنهٔ ذهن های زمین می کند و مشعل به دست ، با ملالت از دیو و دد جهان ناسود، به تعبیر بیدل در پی به دست آوردن انسان محرم می شود. (۲)

عقل در پیچاک اسباب و علل
عشق چوگان باز میدان عمل
" اقبال"

شهسوار دیگری پیش از این دو، با الهام و قرائت استدلالی خویش از آیات بینات کتاب آسمانی (قرآن)، شیرازه بند مکتبی می شود در میان مکتب های اجتهادی که عنوان مکتب خرد گرا و رأی سالاری را به خود گرفته و را ه های ماندگاری آموزه های اسلامی را ترسیم و فرازمانی بودن و فرامکانی بودن آنها را در کتاب زمان مسجل می کند و در فهم کتاب خدا و سنت پیامبر خویشتن را همترازتابعین دانسته و می گوید:" هم رجال و نحن رجال" آنها مردانی اند که فهم و برداشت خود را دارندو ما هم مردانی هستیم که فهم و برداشت خودرا داریم. (۳)

هنگامه آفرین فرزند دیگری در این قطار همانا مصلح عظیم شرق سید جمال الدین افغانی است .

ابر دعوتگر ی که با فریا د رسا و گام های بلند و استوارو ارادهٔ متین و پولادین خود وارد معرکه بود و نبود و سر نوشت ساز ملت های مسلمان و خاورزمین گردیده و فریاد "الشرق الشرق" های شرق !های شرق!را در گوش امپراتوری بریتانیا طنین انداز کرده و می گوید : "همه نیروی دماغی خودرا برای شرق تخصص داده ام تا دوای آن را تشخیص و درمان و دوای آن را پیدا کنم" (۴)

نقش بیدار گرانهٔ سید در خاور زمین

چهره نگاری تمام عیار این شهسوار میدان آزادی ، علم و فلسفه و فر هنگ و تمدن ، بدور از مطالعهٔ محیط زندگی سیاسی ا جتماعی و دینی او نمی تواند ما را در شناخت این شخصیت حوزهٔ تمدنی ما و پر چمدار آزادی شرق یاری رساند، زیرا برتری شخصیت های مصلح و هنگامه ساز در تاریخ ملت ها را ، باید در کارنامه هایی بخوانش گرفت که در زندگی ملت ها خویش می آفرینند ، و این کار و قتی میسر است که ما از وضع زندگی و فرازوفرود تاریخی محیط آن ها شناخت و آگاهی داشته باشیم.

بدون شک شخصیت سید هم از این قاعده مستثنی نبوده و طلایه داری این مصلح بزرگ در خاور زمین به گونهٔ عام و در میان ملت های مسلمان به صورت خاص، در گرو همین شناخت از اوضاع اجتماعی سیا سی و دینی او در قرن نوزد می باشد ،که مظهر و برامدگاه او و پیام اوست (۵)

بهترین چهره نگاری از عصر ظهور سید بناء به تایید و تمجید شکیب ارسلان درکتاب خود به نام "رواد الإصلاح فی القرن التاسع عشر" (یعنی پیش آهنگا ن اصلاح در قرن ۱۹) همان تصویری است که اندیشمند امریکایی "لوثروپ استوارد" از آن ارائه کرده است ، آن جا که می گوید "جهان اسلام در قرن نوزده در پایین ترین مر حلهٔ ناتوانی قرار داشت ، تاریکی از کران تا کران آن را فرا گرفته بود، فساد اخلاقی و اداب گسترده و چشمگیر بوده و آنچه که از اخلاق و آداب سراغ می شد ، از هم پاشیده بود.

ملت های مسلمان تا گلودرلجنزار هوا و شهوت فرو رفته بودند

جهل و نادانی حا کم و شعله ءاندکی هم که از علم به نظر می رسید ، خاموش گشته بود.

حکومت های اسلامی مرکب های سواری استبداد، لجام گسیختگی و انارشیزم و ترورگردیده بودند ، در جهان اسلامی آن دوران، جز مستبدان جباری چون سلطان تر کیه ، کسی دیگری دیده نمی شد ، چراغ حکومت های آخرین شاهان مغل در هند ، رو به خاموشی بود، شمار زیادی از والیان و امرای محلی ، سرنافرمانی برداشته ودر عین حال خود آنها هم از ادارهٔ ساحه های تحت حاکمیت خویش نا توان بودند ، چور و چپاول رو به گسترش و امنیت رخت بر بسته و از آسمان زندگی جور و ستم می بارید.

افزون بر آن رجال منسوب به دین هم ذلت و بیچارگی مردم را دوچند کرده و عزم و اراده از آنان رخت بسته بود ، تجارت و زراعت در معرض نابودی واهمال قرار داشت.

ابر سیاهی بر تعلیمات دینی سایه افگنده بود و وحدانیتی را که پیامبر به مردم آموخته بود، چهرهٔ داشت خرافاتی به خود گرفته بود.

بازار تعویذها و سبحه ها ، رفتن به زیارت قبرها و التماس شفاعت از مردگان، گرم و شراب نوشی و افیون خواری فراگیر شده بود و رذیلت ها، هتک حرمات و عورات به دور از ترس و شرم رواج داشت، فضیلت های قرآنی از ذهن ها غایب و فریضهٔ حج برای کسی که توان آن را داشت، مورد استهزاء قرار می'گرفت.

مسلمانان به آدم هایی تبدیل شده بودند که نمی توان آنها را مسلمان خواند. مکه و مدینه هم با چنین وضعی دچار بود و اگر صاحب این رسالت و پیام بار دیگر به زمین بر می گشت و آنچه را که به نام اسلام خوانده می شد می دید، آن را نمی شناخت .(۶)

آنچه ببستند براو برگ وساز
گر تو ببینی نشناسیش باز

سید در برابر چنین وضعی چگونه سنگر می گیرد؟

پیش از داخل شدن بر اصل موضوع ، بی جا نخواهد بود نگاه گذرایی به نفوذ استعمار غربی در جهان اسلام انداخته شود :

سال ۱۷۵۷ سالی است که استعمار انگلیس در آن یکی از بزرگترین کشورهای اسلامی را تحت سلطهٔ کامل سیاسی خویش در آورد که آن همان شبه قارهٔ هند است ، در همین سال فرانسوی ها الجزایر و صحرای افریقا را تحت سلطهٔ خود درآوردند و پیش از این دودولت ، هالندی ها در قرن هفده ، جزایر هند شرقی (اندونیزیا) را از طریق شرکت های هالندی در هند، اشغال کرده بودند و پرتگال بعد از انضمام به اسپانیا که راه استعمار غرب مسیحی را در هند و اندونیزیا آماده کرده بود، حاکمیت دریا های عرب و عجم و هند و حبشه را به دست گرفت.

استعمار غربی بعد از دو قرن در سرتا سر جهان اسلام و در قلب آن ، نفوذ خویش را گسترده ساخت و در این وقت است که "ها نوتو" خاورشناس فرانسوی گفت:

"اکنون ما در برابر اسلام و مسألهٔ اسلامی قرار داریم"

آری! در برابر چنین شرایط و اوضاعی با دو حرکت در جهان اسلام رو به رو می شویم:

۱- حرکت اسلامی دوست و همگام با استعمار غربی که رهبری آن را سرسید احمد خان به عهده دارد.

۲- حرکت اسلامی مقاومت در برابر استعمار غربی که آبشخور فکری آن را، تعلیمات و آموزه های اصیل اسلامی تشکیل داده و رهبری آن را سید جمال الدین افغانی بر عهده داشت. (۷)

آغازین نقطه این حرکت بیدار گرانه

سید بعد از این که در اثر تحولات سیاسی و کشمکش های تصاحب قدرت در میهنش افغانستان ، زمینه را برای پیشبرد برنامه های اصلاحی خود مساعد نمی بیند واجرای توطئه های پشت پرده استعماروقت ، انگلیس را نسبت بخود احساس می کند ، به فکر ترک وطن شده و با کسب اجازت از امیر شیر علی خان برای رفتن بزیارت خانه خدا ، افغانستان را در سال ۱۲۸۵ ه موافق به ۱۸۶۹م ترک و برای باردوم روانه هند می شود .

آنگاه که سید وارد هند می شود ، انگلیس ها از ترس این که او هند را دجار شورس می کند ازوی می پرسند که چه مدتی در این جا خواهی ماند ؟ سید می گوید : دو ماه

اما ازآنجا که شهرت سید پیش از رفتن اوبه هند در میان اقشار مختلف آنجافراگیرشده بود، به محض ورودش در آن کشورمنزل او بعد از سپری شدن یک هفته ، محل دید ووادید صدها هزارنفر قرارگرفته و علما و راجه های هند پیهم بدیدار او می آیند .

حکومت هند ازاین وضع در هراس شده سید را مجبور به تر ک هند می کند.

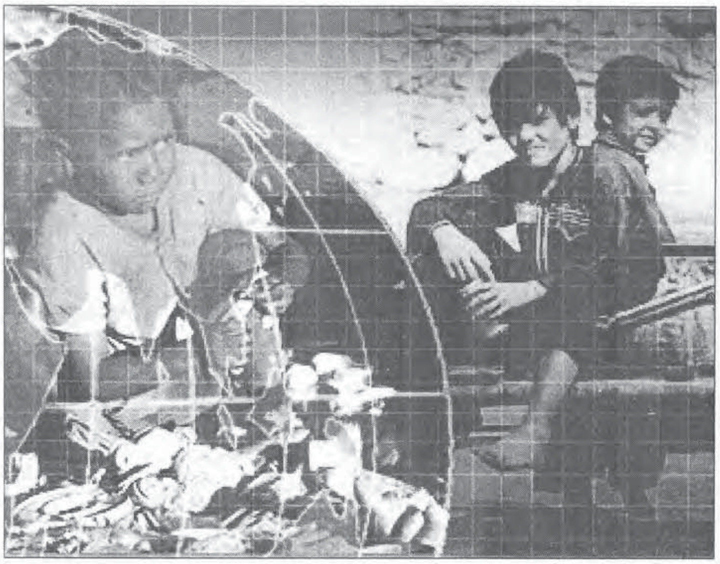
مردم هند از این وضع و اقدام انگلیس ها متاثر شده می خواستند ، از خود و اکنش نشان دهند . سید مانع آنها شده و پیش از حرکت خود ضمن خطابی به آنها گفت :قسم به عزت حق وراز عدالت ، شما که صدهاملیون نفر هستید اگر به همین مقدار مگس هم می بود ید، آواز شما گوش های انگلیس ها و گوش بزگ آنان "گلادستون"را هم کر می کرد.

اگر خدا شمارا به صدها ملیو ن سنگ پشت هم تبدیل می کرد و داخل بحرمی شدید، جزیره برتانیا بزرگ را احاطه نموده و آن رادر قعر دریا می انداختید ،و بسان ازادگان و احرار وا پس به هند، بر می گشتید .

مردم در ین وقت گریه سردادند، سید برایشان گفت" گریه کار زنان است ، محمود غزنوی با گریه به هند نیامده بود او با سلاح داخل هند شد"(۸).

ادامه دارد

نگاهی به بحران اقتصادی جهان



ادامه از صفحهٔ اول

دولت امریکا برای حل این مشکل از کنگره خواستار آن شد تا طرح پرداخت هفتصد هزار میلیون دالر غرض نجات بانک های این کشور از خطر افلاس را تصویب نماید. در ابتدا گمان می رفت که این طرح با اتفاق آراء به تصویب خواهد رسید اما با کمال تعجب دیده شد که جمهوری خواهان که دولت خود آنان این طرح را به سنا برده بود از دادن رأی به آن اباء ورزیدند و به این ترتیب بازار سهام در نیویارک با آفت شدید قیمت مواجه گردید.

این کاهش کم سابقه در نرخ سهام که در امریکا با شاخص (داوجونز) مشخص می شود سؤالات زیادی را در مورد آیندهٔ نظام مالی در این کشور به میان آورد. مردم به کشیدن پول های شان از بانک ها پرداختند. زیرا ترس از این داشتند که مبادا بانک ها به افلاس مواجه گردند و به این ترتیب آنها پول های خود را از دست بدهند.

وضع ناگوارتر آن شد که سرمایداران امریکایی انتظار داشتند. قیمت اسهام با کاهش بیشتر مواجه شد و مجلس سنا مجدداً در مورد آمادگی به اعطای هفتصد میلیارد دالر وام به بانک های در معرض خطر تشکیل جلسه داد و این بار این طرح به تصویب رسید. گفته شد که در طول چند روز میان رد طرح و تصویب آن، اقتصاد امریکا بیش از یک هزار میلیارد دالر ضرر کرد. این سخن به معنی این است که اگر طرح هفتصد میلیارد دالر در جلسهٔ اول به تصویب می رسید، ضرری به این بزرگی متوجه این کشور نمی شد اما این که چرا در این مورد این گونه سهل انگاری صورت گرفت در این رابطه زیاد صحبت نشد.

دلیل آن این است که رد این طرح که موجب کاهش بیشتر قیمت سهام شد به سرمایداران بزرگ این فرصت را فراهم کرد تا سهام را به قیمت های پایین خریداری کنند و سپس نمایندگان آنان در سنا طرح را به تصویب برسانند.

با این کار قیمت سهام باردیگر در بورس نیویارک شروع به بلند رفتن کرد. سیستم سرمایدارای ظاهراً از یک بحران نجات یافت اما در پشت پردهٔ این بحران عده یی ثروتمند ثروتمندتر شدند و کسانی که وامدار بانکها بودند همچنان وامدار باقی ماندند. دولت هم ظاهراً به کمک این قشر کم درآمد امریکا شتافت و در پرداخت وامها نود روز مهلت به آنان داد.

غول بیمار اقتصاد امریکا بهبود نسبی یافت و از این وضع نامزدان ریاست جمهوری از دو حزب دیموکرات و جمهوریخواه به نفع کمپاین انتخاباتی خود سود بردند.

اما در اروپا وضع مشابهی رونما شد. بانکها به مشکل نقدینگی مواجه شدند و وحشت مردم از ورشکستگی بانکها موجب شد تا کشور های اروپایی به فکر چاره بیفتند. دولت های اروپایی همانند امریکا به حمایت از سیستم بانکی برآمدند و با تزریق پول و دادن تضمین سپرده های بانکی مردم، سعی کردند تا به این نگرانی ها پایان دهند. کشور هایی چون انگلستان، فرانسه و آلمان هرکدام با اعلام میلیاردها یورو کمک به بانک ها، و سهیم شدن در بانک ها و حتی ملی ساختن بعضی از بانک ها، با این بحران به مقابله برخاستند. به نظر می رسد که اینک بحران فروکش کرده ولی هنوز در این مورد که وضع بازار های اسهام حالت طبیعی خود را باز یابد شک و تردید وجود دارد.

اقتصاد سرمایداری که بر بنیاد عدم مداخلهٔ دولت در اقتصادی استوار است، در این شرایط مجبور به مداخله در اقتصاد شد و بخشی از سهام بانکها را خریداری کرد. به عبارهٔ دیگر بانکها نیمه ملی شدند.

امریکا مسبب این بحران است و این کشور و نیز کشورهای اروپایی این توان مالی را دارند که صدها هزار میلیون دالر را برای مقابله با چنین بحران ها به مصرف برسانند اما این کشور های فقیر اند که باید صدمهٔ اصلی چنین بحران ها را تحمل کنند.

این بحران روی منطقه ای که ما در آن واقع شده ایم چه تأثیر وارد خواهد کرد؟ پاکستان به مشکلات شدید اقتصادی مواجه گردیده و بیکاری و فقر در این کشور موجب بیشتر شدن دامنهٔ ناامنی ها خواهد شد و کشور ما از تأثیرات منفی این وضع برکنار نخواهد ماند. اقتصاد پاکستان که متکی به کمک های دیگران است این بار با حالت خاصی مواجه گردیده است.

***

این که موضع امریکا در افغانستان چنان به مخاطره بیافتد که مجبور به پرداخت مبالغ هنگفت به پاکستان شود. آیا این مسأله خود نمی تواند انگیزه یی برای تشدید ناامنی ها در افغانستان باشد؟

تاثیرات چنین بحران ها بر صلح جهانی نیز قابل دقت و توجه است. یکی از دوستان که از امریکا آمده بود می گفت که از مدتها قبل که دولت جورج بوش با جنگ در عراق وضع اقتصادی مردم کم درآمد را در آن کشور بدتر ساخت، بیکاری بیشتر شد. در چنین شرایطی وزارت دفاع امریکا برای پیوستن به اردوی این کشور خواستار داوطلبانی شد که حاضر باشند در عراق و افغانستان به جنگ بپردازند. بیکاری موجب شد تا در مدت کوتاهی حدود هشتاد هزار داوطلب برای جنگ ثبت نام نمایند. کسانی که قبلا هرگز حاضر به جنگ نبودند نیز در میان این داوطلبان دیده می شدند زیرا پولی که برای این داوطلبان وعده داده شده رقمی را تشکیل می دهد که به دست آوردن آن در داخل امریکا بسیار مشکل است.

لازم به تذکر است که در گذشته در امریکا جوانان مجبور بودند تا در سن معین دوران خدمت سربازی را بگذرانند. این نوع سربازگیری برای دولت امریکا مشکل آفرین بود زیرا این گونه جوانان در مورد این که چرا باید بجنگند سؤال مطرح می کردند وگاهی از دستورات ضد انسانی افسران شان سرپیچی می نمودند. در همین اواخر هم جمع زیادی از جوانانی به خدمت سربازی به عراق برده شده بودند بعد از بازگشت از رخصتی به کانادا فرار کردند و گفتند که حاضر به جنگ به خاطر هدفی که نمی دانند چیست، نیستند. اما اکنون دولت امریکا با استفاده از بحران اقتصادی، طرح جدید سربازگیری را پیاده کرده است و کسانی که در برابر پول استخدام شده اند، هر دستوری را به خاطر پول اجرا می کنند.

اکنون که اقتصاد کشور های صنعتی تحت فشار است و باید این مشکل را حل کنند، ایجاد بحران های منطقوی می تواند برای آنان بازار فروش اسلحه تدارک نماید. به خصوص امریکا این توان را دارد تا بحران اقتصادی خود را با به میان آوردن یک بحران نظامی در گوشه ای از جهان به آنجا صادر نماید.

پی آمدهای این بحران به شکل شعله ورشدن آتش جنگ ها در گوشه های دیگر جهان دیده خواهد شد و این وضع، شرایط حیات در کشور های فقیر را بدتر خواهد ساخت.

اما این بحران روی منطقه ای که ما در آن واقع شده ایم چه تأثیر وارد خواهد کرد؟ پاکستان به مشکلات شدید اقتصادی مواجه گردیده و بیکاری و فقر در این کشور موجب بیشتر شدن دامنهٔ ناامنی ها خواهد شد و کشور ما از تأثیرات منفی این وضع برکنار نخواهد ماند. اقتصاد پاکستان که متکی به کمک های دیگران است این بار با حالت خاصی مواجه گردیده است. پاکستان به کمک های امریکا نیازمند است در حالیکه با بحران اقتصادی در امریکا دستیابی به چنین کمک ها دور از امکان به نظر می رسد مگر این که موضع امریکا در افغانستان چنان به مخاطره بیافتد که مجبور به پرداخت مبالغ هنگفت به پاکستان شود. آیا این مسأله خود نمی تواند انگیزه یی برای تشدید ناامنی ها در افغانستان باشد؟

نامهٔ وارده

هموطنان عزیز بیایید اندکی بیندیشیم به دیگر ممالک جهان بنگریم آن ها چگونه کارکردند تا بدین جا رسیدند و از تمام نعمت های دنیوی برخوردار هستند، و ما در چه حالت زندگی داریم. درکشور ما هرکس که به قدرت رسید فقط به خود و اقارب و دوستان خود اندیشید و به مردم وعدهٔ دروغین داد. به هرحال دانشمندان گفته اند، کار اشتباه را هر زمانی که متوجه شدید، متوقف سازید. از این رو حالا هم دیر نشده و رهبران وفعالان سیاسی ما باید منسجم و متحد شوند و برای اعتلای وطن ونجات مردم از این ورطه هلاکت بکوشند.

اگر دولت های گذشته از آب دریاهای وطن برای آبادی و زراعتی ساختن زمین های لامزروع و بندهای برق کارمی کردند به میلیون ها هکتار زمین را آبی و زراعتی می ساختند و هیچ فردی در وطن بدون زمین و بیکارنمی ماند و هیچ قومی بالای قومی دیگر هجوم نیاورده به تصرف زمین های همدیگر اقدام نمی کرد. و در بین اقوام کشیدگی به وجود نمی آمد. هکذا مردم به کشت مواد مخدر و سلاح به دوشی رو نمی آوردند. طور مثال چند نمونه از کارکردهای افرادی یاد آورمی شویم. در دشت قلعهٔ فعلی و دشت ارچی همه زمین ها لامزروع ودشت ها سوزان بود که شخص به نام نائب محمد نبی از کوهستان های تالقان مردم را دعوت کرد و با حفر دو نهر زمین ها را آبیاری نموده و امروز هزاران خانواده زندگی آرام دارند. همچنان نائب الحکومه شیرخان در قندز گدام برنج و پخته وشهر زیبا ساخت وکیل محمدصدیق به نام لایقه دشت با دعوت نمودن اقوام پشتون تاجیک ازبک و هزاره حدود سی هزار جریب زمین را آباد نمود جمعه گل خان حاکم وقت به عوض پاداش آن شخص را محبوس ساخت و زمین های آبیاری شده را خلاف قانون و مقررات غضب و به اقوام و نزدیکان خویش توزیع نمود.این عمل مردم را از خدمت به وطن مایوس ساخت.

آیا دولت های وقت نمی توانست زمین های بیشتری را آبیاری کند و میلیون ها خانواده یی بی زمین را صاحب زمین و صاحب کار و شغل سازد و امروز از کشمکش های قومی کاسته می شد و مردم با وحدت کامل زندگی می کردند.

حالا هم سروقت است بیایید در این راستا کاری کنیم و هیچ قومی را به قومی برتری نداده در بین اقوام بد بینی و جدال را از میان برداریم تا بتعوانیم وحدت ملی را مستحکم ساخته و وطن را آباد سازیم.

الحاج محمدحکیم صدیقی وکیل دورهٔ دوازدهم شورای ملی

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیستم شنبه ۲۷ میزان ۱۳۸۷ – ۱۷ شوال المکرم ۱۴۲۹ – 18- October 2008



خشونت در افغانستان افزایش بی سابقه یافته است

به تاریخ ۲۳ میزان جلسه یی در شورای امنیت سازمان ملل پیرامون وضعیت افغانستان برگزار گردید، در این جلسه کای ایده نمایندهٔ سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان گفت در ماه های جولای و آگست نا آرامی و خشونت درافغانستان به صورت بی سابقه رشد داشته است.

وی افزود مخالفان مسلح دولت افغانستان، اکنون فعالیت های تخریبکارانه خویش را از جنوب و شرق به دیگر نقاط توسعه داده اند. او همچنان به نگرانی های فزاینده اشاره کرد که حاکی است نیروهای خارجی و افغانستان حمایت مردم را از دست می دهند.

آیده اظهار نمود که برخلاف انتظار، درگیری امسال در فصل سرما نیزکاهش نخواهد یافت.

محمد خزاعی نمایندهٔ ایران در این جلسه تلاش برخی کشورها جهت ایجادسازش میان دولت و گروه های مخالف را به شدت رد کرد. وی اظهار نمود که این گفتگوها تأثیری درکاهش ناآرامی ها نداشته باعث افزایش بد امنی و جنگ خواهد شد. نمایندهٔ ایران گفت بجای چنین اقدامات غیرقابل توجیه و یا تکیه بر رهیافت نظامی، باید به بازسازی و توسعهٔ افغانستان تلاش شود تا مردم افغانستان نیتجهٔ این سیاست ها را در زندگی روزمرهٔ خویش احساس نمایند.

در این جلسه نمایندهٔ هند نیز راه حل بحران در افغانستان را توجه به وضعیت اقتصادی مردم اعلان نمود.

ظاهر طنین، نمایندهٔ دایمی افغانستان در سازمان ملل پذیرفت که خشونت ها در افغانستان بیشتر شده اما، به این موضوع نیز اشاره کردکه رسانه های خبری، نکات منفی را در مورد افغانستان بیشتر بازتاب می دهند. طنین گفت گروه طالبان از برخی اعلامیه ها وگزارش ها استفاده کرده اند تاچنین وانمود سازند که گویا ارادهٔ جامعهٔ جهانی در مورد افغانستان درحال تزلزل می باشد.

کنفرانس صلح در اندیشه اسلامی یا

اعلام موضع در برابر حوادث جاری

واقف حکیمی

چهارشنبه ۲۴ میزان وزارت خارجه کنفرانسی را زیر عنوان "صلح در اندیشهٔ اسلامی" برگزار کرد.

بی تردید مسالهٔ صلح در اندیشهٔ اسلامی یکی از مسائل بسیارمهم جهانی و دنیای اسلام و افغانستان است. بسیاری از حوادث کنونی در جهان اسلامی به ویژه مسالهٔ تروریسم با این موضوع گره خورده است. موضوعی با این اهمیت ایجاب می کند که با دقت لازم و آمادگی بایسته انجام پذیرد. یکی از این بایستگی ها این بود که دراین کنفرانس چه از داخل کشور و چه از خارج باید کسانی به عنوان سخنران و ارائه کنندهٔ موضوع حضور می یافتند که در زمینهٔ اندیشهٔ اسلامی معاصر و تئوری سیاسی اسلام صاحب نظر و یا در عمل درجریان های سیاسی اسلامی صاحب تجربه یی هستند، اما بیشترینه کسانی که در این کنفرانس به عنوان سخنران **ادامه درص۵**

طرح صلح در اندیشهٔ اسلامی یک طرح کاملا علمی و متخصصانه است که باید مبتنی بر متون و منابع دست اول فرهنگ اسلامی صورت پذیرد و آن از سوی متخصصان شناخته شده ارائه گردد، در آن صورت است که می توان توقع کرد چنین کنفرانس هایی به نتایج مطلوبش دست یابد

نامهٔ وارده

یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم
آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم

کشور ما با داشتن و منابع انرژی زا از قبیل دریاهای خروشان، ذخایر فراوان تحت الارضی معادن طلا، لاژورد و زمرد، مس، آهن، سنگ، نمک، گاز و نفت و قوهٔ بشری فراوان، یکی از غنی ترین کشورهای جهان است، اما چرا در جهان امروز از عقب مانده ترین کشورها به شمار می رویم و مردم ما اکثرا در زیر خط فقر به سرمی برند. آیا مقدرات تاریخی سرنوشت محتوم ما چنین بوده است و یا اینکه این حالت را خارجی ها و کشورهای قدرتمند جهان بر ما تحمیل نموده اند؟

تا بکی با داشتن همه چیز وهمه امکانات دست احتیاج به ممالک دیگر دراز نماییم؟ ما بزرگترین معدن آهن را داشته باشیم، اما فابریکه ذوب آهن را نداشته و آهن چادر و سیخ گول وغیره مواد تعمیراتی، برق نفت و گاز را از ممالک دیگر وارد کنیم و هر وقتی که ما حسب دلخواه آن ها کار نکنیم فورا صادرات خود را متوقف ساخته و مردم ما در مضیقه زندگی قرار دهند. ما نه اقتصاد روشمند داریم ونه صنعت و زراعت در حد رفع مایحتاج مردم. امروز کشور ما قادر به ساختن یک سوزن نیست درحالی که مردم دیگر جهان به سیاره های دیگر راه گشوده اندو به عمق ابحار و دل زمین دست یافتند. فقط ما بدین خوشنود هستیم که دلاور هستیم و در جنگ مهارت داریم.

بعضی انسان ها فتوای سوختاندن مکاتب و شفاخانه ها و خراب سازی سرک ها را صادر نموده و بعضی انسان های جاهلتر از آن، دستورات خلاف دین و خلاف منافع ملی را انجام داده و هموطنان خود را به خاک و خون میکشانند. در حالی که این نوع کارها جرم شمرده می شود. **ادامه درص۷**

رویداد های مهم هفته

کشته شدن دوتن غیرنظامی درخوست

شب دوشنبه ۲۲ میزان شورشیان مخالف دولت بر میدان هوایی ولایت خوست شلیک کردند که درنتیجه یک زن و یک کودک کشته و دو کودک دیگر جراحت برداشته اند.

منابع دولتی با تایید این خبر گفته اند که کودکان مجروح را به در مانگاه نیروهای خارجی انتقال داده اند، وضعیت مجروحان قاعت بخش گزارش شده است.

عملیات خود سرانه نیروهای خارجی در بلخ

نیروهای خارجی شب شنبه ۲۰ میزان در ولسوالی چاربولک ولایت بلخ دست به عملیات خود سرانه زدند که این عمل آنان با واکنش شدید مردم و مقامات محلی ولایت بلخ مواجه شد، عطا محمدنور والی بلخ پس از وقوع رویداد در نشستی با خبرنگاران این عمل را وحشیانه خواند و آن را به شدت محکوم نمود. به گفتهٔ آقای محمد نور نیروهای خارجی با هشت بال هلیکوپتر وارد منطقه شده و بعد از ضرب وشتم مردم محل، هشت خانه را مورد باز جویی قرار داده و اموال قیمتی آنان را با خود برده اند.

امنیت ملی ازیک توطئه جلوگیری کرد

ریاست عمومی امنیت ملی روز شنبه ۲۰ میزان با انتشار اعلامیه گفته است که گروه طالبان قصد داشتند با راه اندازی حملات انتحاری به شکل گروهی در دروازهٔ ورودی زندان پلچرخی زمینه فرار اعضای این گروه را از زندان پلچرخی فراهم سازند. گفته شده طرح این حمله از سوی کسی ریخته شده که چندی قبل توسط کمیسیون تحکیم صلح و به فرمان ویژه رئیس جمهور کرزی رها شده بود و این فرد از فرماندهان سابق طالبان بوده است.

نامه رئیس جمهور به ملاعمر

روزنامهٔ پیمان در پیوند به افشای نامه حامدکرزی به ملاعمر روز یکشنبه ۲۱ میزان گزارشی را نشر کرد و در آن از فاضل سانچارکی سخنگوی جبههٔ ملی نقل شده است که حامد کرزی در این نامه به ملاعمر نوشته است که اگر شما با ما یکجا شوید مقاومت گران را حتا از دریای آمو بیرون می کنیم، به نقل از سانچارکی گفته است که کرزی طالبان را فرزندان اصیل این وطن خوانده است.

افزایش آمار معتادان دربدخشان

مقامات محلی در ولایت بدخشان گفته اند که علی رغم آن که کشت تریاک در آن ولایت ۷۳ در صد کاهش یافته اما آمار معتادان رو به افزایش نهاده است. روزنامهٔ پیمان با انتشار این خبر روز دوشنبه ۲۲ میزان اضافه کرده است که آمار معتادان به مواد مخدر در بدخشان به ۱۵ هزار تن می رسد. دلیل افزایش اعتیاد به مواد مخدرشدت فقر خوانده می شود.

براساس یک خبر دیگر شورای ولایتی ولایت بدخشان نسبت به افزایش فقر و بیکاری در آن ولایت اظهارنگرانی کرده و از منابع امداد رسانی خواستار کمک های فوری به مناطق آسیب پذیر این ولایت شده است.

تیم ملی کریکت افغانستان برنده مسابقه شد

تیم ملی کرکت کشور روز سه شنبه ۲۳ میزان بعد از پیروزی و کسب لقب قهرمانی در مسابقات کشورهای افریقایی به کشور برگشت. ورزش کاران افغانستان با استقبال گرم مردم و مقامات بلند رتبه دولتی مواجه شدند.

کشته شدن رئیس شهدا و معلولان قندهار

رئیس شهدا و معلولان ولایت قندهار روز سه شنبه ۲۳ میزان هدف حمله افراد مسلح قرار گرفت و کشته شد منابع امنیتی در ولایت جنوبی قندهار کشته شدن این مقام محلی را تایید کرده اند، ژنرال غلام علی وحدت، از مسؤولان پلیس گفته است که افراد مسلح ناشناس دوست محمد ارغستانی را هنگامی که قصد داشت از خانه به محل کار خود برود، به ضرب گلوله کشته شد.